

بررسی قاعده «کل من مَرِّ بمیقات وجب علیه الاحرام» در فقه مقارن

سمیه صادقی*

محمد رضا کاظمی گلوردی*

چکیده

از مهم‌ترین قواعد فقهی که در انجام مناسک حج کاربرد دارد و فقها به استناد این قاعده به استنباط برخی از احکام شرعی حج پرداخته‌اند، قاعده «کل من مَرِّ بمیقات وجب علیه الاحرام» است. این قاعده در زمره آن دسته از قواعد فقهی است که مورد عنایت ویژه فقها در مذهب امامیه و مذاهب اربعه اهل سنت بوده، اما تنها در فقه شیعه به عنوان قاعده‌ای مجزا از آن بحث شده است. بر اساس این قاعده، هرکس که به مکه مشرف می‌شود هنگامی که به یکی از مواقیت برسد، احرام بر او واجب شده و گذشتن از میقات بدون احرام جایز نیست، اما گاه مسائلی پیش می‌آید که سبب تأخیر احرام از میقات یا احرام پیش از میقات می‌گردد.

* . دانشجوی دکتری، مدرس مدعو دانشگاه آزاد واحد مشهد، دانشگاه امام رضا (ع) و پیام نور مشهد. دانش آموخته حوزه علمیه و کارشناس ارشد ارتباطات، گرایش حج و زیارت. sadeghisomayeh1397@gmail.com

* . دکترای تخصصی، رئیس دانشکده الهیات دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد. mr_kazemigolvardi@yahoo.com

این نوشتار به بررسی قاعده مذکور در متون فقهی امامیه و اهل سنت پرداخته و پس از بررسی مستندات قاعده، موارد کاربرد آن را به همراه مسائل مربوط به آن در مناسک حج تبیین می‌کند و بدین ترتیب نقاط اتفاق و اختلاف آرای فقهای مذاهب خمس نیز آشکار می‌گردد.

کلید واژه‌ها: احرام، میقات، حج، امامیه، اهل سنت، قاعده فقهی.

مقدمه

سال‌هاست که انسان‌های دل‌باخته به عشق زیارت بیت‌الله الحرام وارد میقات شده و لیبک‌گویان مُحرم می‌شوند، لباس‌های دنیوی را از تن کنده، لباس‌های سپید خلعت‌گونه اخروی را بر تن می‌پوشند و به سوی حرم امن الهی رهسپار می‌شوند؛ آن‌گونه که حضرت ابراهیم علیه السلام به خداوند عرضه داشت: «رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا»^۱ و خداوند دعای ایشان را قبول نمود و فرمود: «وَإِذْ جَعَلْنَا الْكَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا»^۲

اما گاه برای ایشان مسائلی پدید می‌آید که در پی پاسخ به آن‌ها ناگزیر به رجوع به قواعد فقهی، که برگرفته از آیات و روایات و تسالم فقها هستند، می‌شوند؛ مانند آنکه به سبب فراموشی از میقات بدون احرام، عبور نموده یا پیش از میقات، محرم گردیده و نمی‌داند باید دوباره محرم شود یا همین احرام کافی است یا بانوی حائض و نفسائی که نمی‌تواند جهت احرام وارد مسجد شود یا فردی پس از عبور از میقات، اسلام آورده و قصد حج نموده و...

این قواعد، گاه در تمام ابواب فقه همچون قاعده فرائغ، لا ضرر و صحت؛ و گاه در باب خاصی مانند قاعده اقرار، تحجیر، عدم التذکیه کاربرد داشته تا تکلیف شخص را در زمان حیرت مشخص سازند.

یکی از قواعدی که در باب خاصی وارد شده، قاعده‌ای است در خصوص وجوب

۱. ابراهیم: ۳۵؛ «و به یادآور زمانی را که ابراهیم به پروردگار عرضه داشت: خدایا! این

سرزمین را محلی امن قرار ده.»

۲. بقره: ۱۲۵؛ «و خانه کعبه را محل بازگشت و اجتماع مردم و مرکز امن قرار دادیم.»

احرام از میقات بر شخصی که قصد ورود به مکه مکرمه را دارد. در این نوشتار ضمن توضیح قاعده مذکور، معانی میقات، اقسام آن، مدارک و مسائل قاعده از منظر مذاهب خمس بررسی و وجه اتفاق و اختلاف ایشان بیان شده است. داده‌های این نوشتار به صورت کتابخانه‌ای جمع آوری شده و به دنبال تقریب مذاهب اسلامی در پی هجته بیگانگان بر تفرقه بین مسلمین است.

۱. مفهوم شناسی

۱.۱. معنای قاعده

در مفهوم قاعده باید گفت: بر هر کس که تصمیم ورود به مکه معظمه را دارد و از میقات عبور می‌کند، لازم است در میقات محرم گردد، بدین ترتیب گذر از میقات بدون احرام جایز نیست.

۲.۱. میقات

«میقات» در لغت حد چیزی (ابن فارس، ۱۳۹۹، ج ۶، ص ۱۳۲) و در شرع، موضع عبادت یا زمان عبادت است. حج دارای مواقیت زمانی و مکانی می‌باشد؛ مواقیت زمانی، همان زمان انجام مناسک حج در ماه‌های شوال، ذی القعدة و ده روز از ذی الحجه است و مواقیت مکانی، حدودی است که بر هیچ کس عبور از این امکانه برای ورود به مکه معظمه بدون احرام جایز نمی‌باشد (فوزان، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۴۰۹).

۳.۱. احرام

احرام رکنی از ارکان عمره و حج است که به اتفاق فقهای امامیه با ترک عمدی آن، حج و عمره باطل می‌گردد (حلبی، ۱۴۱۷، ص ۱۵۴؛ حلبی، ۱۴۱۴، ص ۱۲۴). واژه «احرام» مصدر «أحرم» در لغت به معنای منع (ابن فارس، ۱۳۹۹، ج ۲، ص ۴۵) و دخول در حرمتی است که نباید هتک شود (ابن عابدین، ج ۸، ص ۱۸۸)؛ یا به معنای نیت ورود در تحریم است؛ زیرا با نیت، آنچه را قبل از احرام از جمله نکاح و استعمال بوی خوش و... بر وی مباح بوده، بر خود حرام می‌کند (بهوتی، ج ۱، ص ۱۷۴).

در شرع، به سبب احرام در حج و عمره، آنچه از صید و مباشرت با همسر و... بر شخص حلال بوده، حرام می‌شود (ابن فارس، ۱۳۹۹، ج ۲، ص ۴۵).
 و به عبارت دیگر، احرام، دخول در حرمت‌هایی خاص به معنی التزام به آن‌ها است که با وجود نصوصی مانند: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ» (سلمان، ج ۲، ص ۳۴۳) بدون نیت محقق نمی‌شود (ابن عابدین، ج ۸، ص ۱۸۸).

۲. مستندات قاعده

۱.۲. روایات

* در صحیح‌ه معاویه بن عمار از حضرت صادق علیه السلام آمده است که فرمودند:
 «مِنْ تَمَامِ الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ أَنْ تُحْرِمَ مِنَ الْمَوَاقِيتِ الَّتِي وَقَّتَهَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَلَا تُجَاوِزَهَا إِلَّا وَأَنْتَ مُحْرِمٌ».
 «از تمام کنندگان حج و عمره، احرام از مواقیتی است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله معین نمودند، از آن عبور نمی‌کنی مگر محرم شوی.» (حر عاملی، ۱۴۰۳، ج ۸، ص ۲۲۲).
 این روایت دلالت تام و کامل بر وجوب احرام بر مکلفینی دارد که از میقات می‌گذرند (مصطفوی، ۱۴۳۱، ص ۲۲۳). شیخ حرّ عاملی طبق این روایت، در کتاب «وسائل الشیعه» بابی با عنوان قاعده مذکور آورده است.

* حلبی از امام صادق علیه السلام نقل نموده که آن حضرت فرمودند:
 «الْإِحْرَامُ مِنْ مَوَاقِيتِ خَمْسَةٍ وَقَّتَهَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَا يَنْبَغِي لِحَاجٍّ وَلَا لِمُعْتَمِرٍ أَنْ يُحْرِمَ قَبْلَهَا وَلَا بَعْدَهَا وَقَّتَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ ذَا الْحُلَيْفَةِ وَهُوَ مَسْجِدُ الشَّجَرَةِ يُصَلِّي فِيهِ وَ يُفْرَضُ فِيهِ الْحَجُّ وَقَّتَ لِأَهْلِ الشَّامِ الْجُحْفَةَ وَقَّتَ لِأَهْلِ نَجْدِ الْعَقِيقِ وَقَّتَ لِأَهْلِ الطَّائِفِ قَرْنَ الْمَنَازِلِ وَقَّتَ لِأَهْلِ الْيَمَنِ يَلْمَلَمَ وَلَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ أَنْ يَرْغَبَ عَنْ مَوَاقِيتِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ»

«احرام از مواقیت پنج گانه‌ای است که پیامبر صلی الله علیه و آله معین فرمودند که شایسته نیست حج گزار و عمره گزار قبل و بعد از آن محرم شود. و میقات اهل مدینه، «ذوالحلیفه» (مسجد شجره) است.

در آن نماز می خواند و مُحرم به حج می شود. و میقات اهل شام «جحفه» است. و میقات اهل نجد «عقیق» است. و میقات اهل طائف «قرن المنازل» و میقات اهل یمن «یللم» می باشد و برای کسی شایسته نیست از مواقیت رسول خدا ﷺ روی برگرداند.» (قمی، ج ۲، ص ۲۲۲).

* در صحیح مسلم عبدالله بن طاوس از پدرش از ابن عباس روایت کرد که پیامبر اسلام ﷺ میقات اهل مدینه را ذوالحلیفه، اهل شام را جحفه، اهل نجد را قرن المنازل و اهل یمن را یلملم قرار دادند و فرمودند: «این مواقیت برای ایشان و کسانی است که از دیگر مناطق از آن گذر کنند و قصد حج و عمره دارند؛ و غیر ایشان از هر جا بخواهند محرم می شوند، حتی اهل مکه از مکه» (نیشابوری، ج ۴، ص ۵).

۲.۲. تسالم

فقه‌های امامیه بر مدلول قاعده اتفاق نظر دارند و به نقل صاحب جواهر، هر شخصی برای اتیان حج یا عمره از میقاتی بگذرد، لازم است از آن مکان محرم گردد و اختلافی در این حکم در نصوص و فتاوا به چشم نمی خورد (نجفی، ۱۳۶۵، ج ۱۸، ص ۱۱۸).

صاحب عروه نیز دلیل این قاعده را اتفاق نظر فقها و نصوص قلمداد می کند. (طباطبایی یزدی، ۱۴۲۰، ص ۴۸۷).

در بین فقه‌های اهل سنت نیز اختلاف نیست کسانی که از مواقیت عبور کرده و قصد عمره یا حج دارند، لازم است احرام ببندند (قرطبی، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۲۶۱).

۳. مسائل قاعده

۱.۳. میقات حج و عمره

۱. میقات مکانی

از اولین اعمال مناسک عمره و حج، احرام در یکی از مواقیتی است که پیامبر رحمت، حضرت محمد ﷺ آن را مشخص فرمودند (حلبی، ۱۴۱۷، ص ۱۵۵).

این مواقیت برای اشخاصی که از مسیرهای گوناگون می آیند، متفاوت بوده و در نظر فقه‌های امامیه به شرح ذیل می باشد:

۱. وادی عقیق: برای اهل عراق؛

۲. ذوالحلیفه: برای اهل مدینه که نام دیگر آن مسجد شجره است؛
 ۳. جحفه: برای اهل شام و مصر؛
 ۴. یلملم: برای اهل یمن؛
 ۵. قرن المنازل: برای اهل طائف؛
 ۶. مکه: برای اهل مکه یا برای احرام حج تمتع (حلی، ج ۲، ص ۷۸۱؛ عاملی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۳۰۰؛ فقاعنی، ۱۴۱۸، ص ۷۵).
 ۷. محاذات^۱ یکی از مواقیت پنجگانه اول برای کسی که از مواقیت پنجگانه عبور نمی کند.
 ۸. أدنی الحلّ: میقات عمره مفرده پس از حج افراد یا قران، بلکه برای اتیان هر عمره مفرده ای شایسته است از حدیبیه^۲ یا جعرانه^۳ یا تنعیم^۴، که از مواقیت منصوص هستند، محرم شد. (موسوی خویی، ۱۳۶۴، ج ۲، صص ۳۶۸ و ۳۸۸).
- شهیدین در خصوص مکان احرام فرموده اند: «اگر شخص تصمیم بر انجام عمره مفرده یا تمتع داشته باشد، از میقات هایی که مشخص گردیده احرام می بندد و اگر خواهان احرام برای انجام حج تمتع باشد، باید از مکه محرم شود و بهتر است از مسجدالحرام و در زیر ناودان کعبه یا در کنار مقام ابراهیم اقدام نماید. (امینی، علیرضا و آیتی، ۱۳۸۳، ج ۱، صص ۱۰۸ و ۱۱۰)
- امام خمینی در مورد مکان احرام حج فرمود: «محل احرام حج، شهر مکه است و در تمام نقاط آن - حتی محلات تازه ساز - کفایت می کند، ولی مستحب است در مقام ابراهیم عليه السلام یا حجر اسماعیل عليه السلام انجام شود».
- ایشان در ادامه یادآور شد: احرام در محلات جدید که جزء مکه محسوب می شوند، مانع ندارد، ولی اگر جزو مکه محسوب نشده یا مشکوک است، کفایت نمی کند (محمودی، ۱۴۲۹ق، ص ۴۳۲)

۱. محاذات میقات: به موازات میقات.
۲. حدیبیه: مکانی نزدیک مکه، از مسیر جده به مکه.
۳. جعرانه: مکانی بین مکه و طائف.
۴. تنعیم: مکانی نزدیک مکه، معروف به مسجد عائشه.

محقق خوبی نیز فرمود: «احتیاط واجب این است که از مکه قدیم برای حج احرام ببندد». (همانجا)

* در صحیح بخاری ابن طاوس از پدرش از ابن عباس روایت کرده:

«أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ وَقَّتْ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ: ذَا الْحُلَيْفَةِ، وَلِأَهْلِ الشَّامِ: الْجُحْفَةَ، وَلِأَهْلِ نَجْدٍ: قَرْنَ الْمُنَازِلِ، وَلِأَهْلِ الْيَمَنِ: يَلْمَلَمَ، هُنَّ هُنَّ وَلَيْسَ أَتَى عَلَيْهِنَّ مَنَ غَيْرِهِنَّ مَنَّا أَرَادَ الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ، وَمَنْ كَانَ دُونَ ذَلِكَ فَمِنْ حَيْثُ أَنْشَأَ، حَتَّى أَهْلُ مَكَّةَ مِنْ مَكَّةَ».

«همانا پیامبر ﷺ میقات اهل مدینه را ذوالحلیفه و اهل شام را جحفه و اهل نجد را قرن المنازل و اهل یمن را یلملم قرار دادند، این مواقت برای ایشان و کسی است که بر ایشان وارد شده و اراده انجام حج و عمره داشته، و کسی که غیر از این افراد باشد، از جایی که قصد احرام کند، محرم می شود، حتی اهل مکه از مکه محرم می شوند» (بخاری، ۱۴۰۱ق، ج ۲، ص ۱۴۲).

ابن حجر عسقلانی در شرح این کتاب بیان می دارد: مواقت جمع «میقات» است همچون مواعید و میعاد، و ظاهر کلام مصنف این است که احرام به حج و عمره پیش از میقات جایز نیست. البته جمهور اهل سنت، بین میقات زمانی و مکانی تفاوت گذاشته و تقدم احرام از میقات مکانی را جایز دانسته اند، بالعکس میقات زمانی (عسقلانی، ج ۳، ص ۳۰۳).

فقهای مذاهب اهل سنت (سمرقندی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۳۹۴؛ نووی، ج ۲، ص ۳۱۳-۳۱۲؛ جماعة من علماء هند، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۲۲۱) بر این اتفاق دارند که میقات های چهارگانه ذوالحلیفه، جحفه، یلملم و قرن المنازل از مواقت منصوص پیامبر خدا ﷺ بوده، لکن در خصوص ذات عرق دو وجه ذکر نمودند؛ اکثر فقهای مذاهب بر این تمایل دارند که ذات عرق جزء مواقت منصوص بوده، و در نظر دوم به اجتهاد عمر بن خطاب، ذات عرق جزء مواقت به شمار نمی آید. (نووی، ج ۲، صص ۳۱۳-۳۱۲؛ عسقلانی، ج ۳، ص ۳۰۸)

روایات مختلفی از ایشان بیان شده که در یک دسته آن، ذات عرق میقات اهل عراق معرفی گردیده و در دسته دیگر، نامی از آن برده نشده است.

سفیان از عبدالله بن دینار از ابن عمر نقل می کند که پیامبر خدا ﷺ برای اهل مدینه، ذوالحلیفه و برای اهل شام، جحفه و برای اهل نجد، قرن و برای اهل یمن، یلملم را میقات قرار دادند (طحاوی، ج ۳، ص ۹۵)

در روایتی ابو زبیر از جابر نقل نمود که پیامبر خدا ﷺ می فرماید:

«مِهُلُّ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مِنْ ذِي الْحُلَيْفَةِ، وَأَهْلُ الشَّامِ مِنَ الْجُحْفَةِ، وَأَهْلُ نَجْدٍ مِنْ قَرْنٍ» قَالَ ابْنُ عُمَرَ: وَبَلَّغَنِي أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ [وَأَهْلَهُ] وَسَلَّمَ قَالَ: «وَمِهُلُّ أَهْلِ الْيَمَنِ مِنْ يَلْمَلَمٍ».

(اهل مدینه از ذوالحلیفه، و غیر ایشان (اهالی شام) از جحفه و اهل عراق از ذات عرق و اهل نجد از قرن و اهل یمن از یلملم تهلیل می گویند) (طحاوی، ج ۳، ص ۹۶). شافعی در میقات اهل عراق می گوید: در صورتی که از عقیق تهلیل گویند، دوست داشتنی تر است. (قرطبی، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۲۶۰).

در نظر اهل سنت میقات حج برای مکی، حرم است (ملاخسرو، ج ۱، ص ۲۱۸؛ دمشقی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۱۵۲؛ بغدادی، ج ۱، ص ۷۷) خواه مقیم در مکه باشد یا زائر، همان گونه که در حدیث جابر و صحیح مسلم آمده:

«أَنَّ النَّبِيَّ أَمْرَهُمْ أَنْ يَهْلُوا مِنَ الْأَبْطَحِ»: «پیامبر خدا ﷺ ایشان را امر به تهلیل از ابطح نمودند» (یوبی، ج ۱، ص ۲۱).

و اما در خصوص میقات عمره در مذاهب اهل سنت باید گفت:

مطابق مذهب شافعی، هرگاه عمره گزار در خارج از حرم باشد، میقات عمره وی همان میقات حج اوست. در صورتی که در حرم باشد، مکی باشد یا خیر، میقات واجب وی، أدنی الحل است، هر چند به مقدار یک گام از حرم خارج گردد؛ (نووی، ج ۲، ص ۳۱۸؛ شربینی، ج ۱، ص ۲۳۶) و میقات افضل آن جعرانه، سپس تنعیم، سپس حدیبیه است (نووی، ج ۲، ص ۳۲۰).

طبق مذهب حنفی، میقات عمره گزار مکی، حل است (ملاخسرو، ج ۱، ص ۲۱۸) و تنعیم افضل است (جماعة من علماء هند، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۲۲۱).

عایشه در این باره بیان داشت که پیامبر خدا ﷺ زمانی که می خواستند عمره بگذارند، از حلّ محرم می شدند نه موضع خاصی از آن (طحاوی، ج ۳، ص ۳۰۳).
 در روایتی، سفیان از عمرو بن دینار روایت می کند که عبد الرحمن بن ابی بکر به عمرو بن اوس خبر داد که پیامبر خدا ﷺ مرا امر فرمودند که عائشه را به تعیم برده تا برای عمره محرم شود (همان، ص ۳۰۲).
 در فقه مالکی، عمره گزار برای احرام به اذنی الحل می رود. (بغدادی، ج ۱، ص ۷۷).
 در مذهب حنبلی، مکیان برای عمره از حلّ (دمشقی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۱۵۲) و غیر مکیان از میقات محرم می شوند (بغدادی، ج ۱، ص ۱۵۷)؛ چنانکه پیامبر ﷺ به عبد الرحمن ابن ابی بکر امر نمودند تا خواهرش عائشه، برای احرام عمره از تعیم محرم شود (یوبی، ج ۱، ص ۲۱).

۲. میقات زمانی

میقات زمانی به اتفاق فقها ماه های شوال، ذی القعدة و نه روز اول ذی الحججه است، اما در خصوص باقی روزهای ذی الحججه اختلاف است. مالک تمام ذی الحججه را زمان حج می داند و ابوحنیفه ده روز ذی الحججه را.
 دلیل قول مالک، فرمایش خداوند ﴿الْحُجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَاتٌ﴾ (بقره: ۱۹۷) است و همان گونه که تمام ایام شوال و ذی القعدة را دربرمی گیرد، بر تمام ذی الحججه نیز اطلاق می شود؛ بدین ترتیب می توان طواف افاضه را تا آخر ذی الحججه به تأخیر انداخت (قرطبی، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۲۶۱).

در فقه امامیه احرام پیش از میقات زمانی حج طبق فرمایش خداوند ﴿الْحُجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَاتٌ﴾ (بقره: ۱۹۷) صحیح نبوده و منعقد نمی شود؛ هر چند تلبیه گفته یا قربانی خود را اشعار یا تقلید نماید. روایاتی بر این سخن دلالت دارد؛ از جمله:
 فضیل بن یسار به امام صادق علیه السلام عرض کرد: شخصی شتری خریداری کرد و پیش از موعد احرام حج، آن را اشعار و تقلید کرده، آیا آنچه بر محرم لازم است بر وی لازم است؟ حضرت فرمودند:

«لَا، وَ لَكِنْ إِذَا أَنْتَهَى إِلَى الْوَقْتِ فَلْيُحْرِمِ، ثُمَّ لِيُشْعِرْهَا وَيُقَلِّدْهَا؛ فَإِنَّ تَقْلِيدَهُ الْأَوَّلَ لَيْسَ بِشَيْءٍ».

«خیر، لکن هر زمان که وقت رسید باید محرم شود، سپس اشعار و تقلید نماید، پس تقلید اول اثری ندارد» (قمی، ج ۲، ص ۲۳۱).

همچنین به نظر فاضل مقداد، احرام پس از گذر از میقات مکانی در حال ضرورت، همچون احرام پیش از میقات در این حالت یا به سبب نذر جایز است، لکن احرام پس از میقات زمانی در هیچ حالتی صحیح نمی‌باشد (سیوری، ۱۴۰۳، ص ۲۵۲).

مالک، احرام پیش از ماه‌های حج را مکروه و صحیح می‌داند. حنبلی، چنین احرامی را باطل دانسته، و شافعی می‌گوید: چنین احرامی، احرام عمره محسوب می‌شود؛ زیرا از طرفی شبیه وقت نماز است که نماز پیش از وقت واقع نمی‌شود، و از طرف دیگر با تکیه بر فرمایش خداوند «وَأَتُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ» (بقره: ۱۶۰) هر زمان احرام بست، منعقد شده و مأمور به اتمام آن است، و نیز علما بر این اتفاق دارند که عمره در تمام ایام سال جایز است (قرطبی، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۲۶۲).

حنفی، احرام را شرط حج یا عمره دانسته همچون طهارت و پوشش قبل از نماز، و طبق آن، احرام پیش از موسم حج را جایز می‌داند (سمرقندی، ۱۴۱۴، ص ۳۹۰).

۲.۳. گذر از میقات بدون احرام

فقهای امامیه همچون شیخ طوسی (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۱۲)، علامه حلی (حلی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۳۱۴)، ابن ادریس (حلی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۵۲۷) و آیت الله خوئی (موسوی خوئی، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۴۱۹) گذر از میقات بدون بستن احرام را به دو جهت بررسی می‌کنند:

۱. در صورتی که از میقات با علم و عمد، بدون احرام گذر کند، به دلیل روایت حلبی باید به میقات بازگردد و محرم شود، و در صورتی که به سبب عذری نتواند به میقات برگردد و در مقابلش نیز میقات دیگری نباشد بر طبق نظر مشهور

فقهها، احرام و حج وی از غیر میقات باطل است و در صورت استطاعت باید آن را قضا نموده و در غیر این صورت قضای حج بر وی لازم نیست.

حلی از امام صادق علیه السلام در تکلیف شخصی که بدون احرام وارد حرم شده، پرسید. حضرت فرمودند: «يُخْرَجُ إِلَى مِيقَاتِ أَهْلِ أَرْضِهِ فَإِنْ خَشِيَ أَنْ يَقُوتَهُ الْحُجُّ أَحْرَمَ مِنْ مَكَانِهِ فَإِنْ اسْتَطَاعَ أَنْ يُخْرَجَ مِنَ الْحَرَمِ فَلْيُخْرَجْ ثُمَّ لِيُحْرِمْ»؛ «به میقات اهل سرزمینش که از آن محرم می‌شوند باز گردد و محرم شود، و اگر بترسد که حج از وی فوت شود از موضع خود محرم گردد و اگر توان خروج از حرم را دارد، از حرم خارج شود و محرم شود» (طوسی، ۱۳۶۴، ج ۵، ص ۵۸).

۲. گاه از روی نسیان یا جهل از میقات محرم نمی‌شود که باید به میقات باز گردد و در صورت تعدر از رجوع تا هر جا ممکن است برگردد و در غیر آن، از همان مکانی که متوجه خطای خود شد محرم شود، گرچه ادنی‌الحل^۱ باشد (عاملی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۳۰۱-۳۰۰)، و در صورت عدم امکان آن، از مکه محرم گردد. (حلی، ۱۴۰۲، ص ۸۱).

طبق نظر شهید اول و محقق حلی اگر شخص به سبب عذری چون بیماری یا بی‌هوشی یا وجود دشمن نتواند از میقات محرم شده و بدون احرام از آن عبور کند، پس از رفع عذر باید به میقات رجوع کند و الا تا هر مقداری که توانست به سمت میقات باز می‌گردد و در غیر این صورت به اجماع فقها از مکان خود محرم می‌شود، گرچه در مکه باشد (حلی، ج ۲، ص ۸۰۸).

عبدالله بن سنان از حضرت صادق علیه السلام درباره تکلیف مردی سؤال نمود که از میقات گذشته و فراموش کرده یا جاهل بوده که از آن محرم شود تا این که به مکه رسیده، و می‌ترسد که اگر به میقات باز گردد، حج از وی فوت شود. حضرت پاسخ فرمودند: «يُخْرَجُ مِنَ الْحَرَمِ وَيُحْرَمُ وَيُجْزِيهِ ذَلِكَ»: از حرم خارج شود و محرم گردد و از وی کفایت می‌کند (قمی، ج ۲، ص ۲۳۸).

۱. ادنی‌الحل؛ به نزدیک‌ترین مکان بعد از منطقه حرم می‌گویند.

به اتفاق فقهای اهل سنت، چنین فردی گنهکار است و بر اوست قربانی نماید؛ دلیل این، ترک واجب است (عسقلانی، ج ۳، ص ۳۰۶) و در روایت است که از ابن عمر سؤال شد: از کجا می توان عمره گزارد؟ پاسخ داد: «فَرَضَهَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لِأَهْلِ نَجْدٍ قَرْنًا، وَأَهْلِ الْمَدِينَةِ ذَا الْحُلَيْفَةِ، وَأَهْلِ الشَّامِ الْجُحْفَةَ»؛ «پیامبر خدا ﷺ برای اهل مدینه، ذی الحلیفه و برای اهل شام، جحفه را میقات فرض کردند» (بخاری، ۱۴۰۱، ج ۲، ص ۱۴۱).

ابن حجر، واژه «فرض» را خبری به معنای امر تلقی می کند در حالی که خبر مؤکدتر از جمله امری و امر دلالت بر وجوب دارد (عسقلانی، ج ۳، ص ۳۰۶).

بر اساس مذهب شافعی، به اتفاق فقها عبور از میقات بدون احرام جایز نیست، در این صورت باید به میقات برگردد و از آنجا محرم شود، مگر زمان ضیق بوده یا راه مخوف باشد؛ بنابراین در صورتی که به واسطه عذر یا غیر آن به میقات رجوع نکرد، بر اوست که قربانی نماید، لکن اگر در خارج از میقات محرم شده و قبل از انجام مناسک به میقات بازگردد، قربانی از وی ساقط می شود (شرینی، ج ۱، ص ۲۳۶؛ شافعی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۱۵۲؛ Isnوی، ۲۰۰۹، ج ۲۰، ص ۲۸۳).

أخبرنا مسلم بن خالد و سعید بن سالم عن ابن جریح قال: قال عمرو بن دینار عن طاووس: «من شاء أهل من بيته و من شاء إستمتع بثيابه حتى يأتي ميقاته و لكن لا يجاوزه الا محرماً يعني ميقاته»؛ «هر کس بخواهد از منزلش تهلیل می گوید و هر کس بخواهد در میقات محرم می شود، لکن نباید از میقات بدون احرام گذر نماید» (شافعی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۱۵۲).

طبق فقه حنفی، شخصی که بدون احرام از میقات عبور کند، باید گوسفندی را قربانی نماید، پس در صورتی که به میقات بازگردد از آنجا محرم شده و قربانی از وی ساقط می شود (موصلی، ج ۱، ص ۱۱).

در فقه مالکی، آن کس که قصد انجام مناسک حج یا عمره را داشته و از میقات بدون احرام می گذرد، باید برای احرام به میقات رجوع نموده و در غیر آن، گناهکار است و باید قربانی کند، مگر معذور باشد، مانند زمانی که از فوت حج یا همراهان یا خطر جانی یا مالی می ترسد یا به دلیل بیماری توان بازگشت ندارد، و در این موارد

رجوع به میقات لازم نبوده، لکن به دلیل گذر از میقات بدون احرام، قربانی بر او لازم است (کوکب عیید، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۳۴۳).

مطابق مذهب حنبلی، فردی که وارد مکه می شود نمی تواند بدون احرام از میقات گذر کند، (مقدسی، ج ۳، ص ۲۱۹-۲۱۸) و باید به میقات بازگردد و از آن مکان محرم شود، لکن در صورتی که امکان رجوع به میقات را به سبب ترس فوت حج، یا عدم همراه، یا خوف از دشمن یا راهزن یا بیماری دارد یا راه را نمی شناسد، از موضع خود محرم شده و بر اوست که قربانی نماید (مقدسی، ج ۳، ص ۲۲۱-۲۲۴)؛ زیرا در صورتی که میقات مانند طواف و وقوف از ارکان حج می بود، با اختلاف مردم و اماکن مختلف نمی شد (مقدسی، ج ۳، ص ۲۲۱)؛ بدین ترتیب به سبب عذر می توان از غیر میقات محرم گردید.

۳.۳. تأخیر احرام از میقات

در فقه امامیه همان گونه که مقدم داشتن احرام قبل از میقات روا نیست، تأخیر احرام از میقات نیز جایز نمی باشد، پس کسی که تصمیم بر انجام مناسک حج یا عمره یا ورود به مکه را دارد باید از میقات محرم گردد و احتیاط است که از محاذات میقات نیز بدون احرام نگذرد. حال در صورتی که از میقات بدون احرام عبور نماید، با امکان رجوع باید به میقات برگردد و از آن مکان محرم شود، مگر در مقابلش میقات دیگری باشد که می توان از میقات دوم محرم شد، گرچه با ترک احرام از میقات اول مرتکب گناه شده است (موسوی خویی، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۴۱۷).

به فرموده شیخ طوسی می توان به سبب مانع، احرام از میقات را به تأخیر انداخت و پس از زوال مانع، از موضع خویش محرم شد (طوسی، بی تا، ص ۲۰۹).

در روایت صحیح صنفان بن یحیی است که به حضرت رضا علیه السلام نامه ای نوشته و عرض کرد: برخی از دوستان تان از بصره، در وادی عقیق محرم می شوند و در آن موضع آب و استراحتگاهی نیست، و دچار سختی می شوند...

امام علیه السلام پاسخ فرمودند: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ وَقَّتَ الْمَوَاقِيتَ لِأَهْلِهَا وَمَنْ أَتَى عَلَيْهَا مِنْ غَيْرِ أَهْلِهَا وَ فِيهَا رُحْصَةٌ لِمَنْ كَانَتْ بِهِ عِلَّةٌ فَلَا تُجَاوِزُ الْمِيقَاتَ إِلَّا مِنْ عِلَّةٍ»؛ «رسول خدا صلی الله علیه و آله

موافیتی را برای اهل آن منطقه و کسانی که غیر اهل آن هستند و از آن گذر می کنند، معین نمودند؛ و در این حکم، رخصتی است برای فردی که عذری دارد، پس از میقات بدون عذر گذر نکن» (حر عاملی، ۱۴۰۳، ج ۸، ص ۲۴۱).

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«وَقَّتَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لِأَهْلِ الْعِرَاقِ، الْعَقِيقَ، وَأَوْلَاهُ الْمُسْلِحَ وَوَسَيْطَةَ غَمْرَةَ وَآخِرَهُ ذَاتَ عِرْقٍ، وَأَوْلَاهُ أَفْضَلَ، وَوَقَّتَ لِأَهْلِ الطَّائِفِ قَرْنَ الْمُنَازِلِ، وَوَقَّتَ لِأَهْلِ الْمُدَيْنَةِ ذَا الْحَلِيفَةِ، وَهِيَ مَسْجِدُ الشَّجَرَةِ، وَوَقَّتَ لِأَهْلِ السِّيمَنِ يَلْمَلَمَ، وَوَقَّتَ لِأَهْلِ الشَّامِ الْمُهَيْعَةَ، وَهِيَ الْجُحْفَةَ، وَمَنْ كَانَ مَنزِلُهُ دُونَ هَذِهِ الْمَوَاقِيتِ مَا بَيْنَهُمَا وَبَيْنَ مَكَّةَ فَعَلَيْهِ أَنْ يُحْرِمَ مِنْ مَنزِلِهِ، وَلَا يُجُوزُ الْإِحْرَامَ قَبْلَ بُلُوغِ الْمِيقَاتِ، وَلَا يُجُوزُ تَأْخِيرُهُ عَنِ الْمِيقَاتِ إِلَّا لِعِلَلٍ، أَوْ تَقِيَّةً، فَمَاذَا كَانَ الرَّجُلُ عَلِيلاً أَوْ أَتَقَى، فَلَا بَأْسَ بِأَنْ يُؤَخَّرَ الْإِحْرَامَ إِلَى ذَاتِ عِرْقٍ».

«پیامبر صلی الله علیه و آله برای اهل عراق، عقیق را میقات قرار داد، اول آن مسلخ و وسط آن غمره و آخر آن ذات عرق است، و اول آن افضل است؛ و احرام پیش از رسیدن به میقات جایز نیست، و تأخیر احرام از میقات به جز عذر یا تقیه جایز نمی باشد و بر شخصی که بیمار یا در حال تقیه است، اشکالی نیست که احرام را از ذات عرق به تأخیر اندازد» (قمی، ج ۲، ص ۳۰۴).

در روایتی حلبی از امام صادق علیه السلام سؤال می کند: انسانی که از مسجد شجره گذر کرد، از کجا محرم شود؟ حضرت در پاسخ فرمودند: «مِنَ الْجُحْفَةِ وَلَا يُجَاوِزُ الْجُحْفَةَ إِلَّا حَرَمًا»؛ از جحفه، و از جحفه عبور نمی کند، مگر محرم شود (حرعاملی، ۱۴۰۳، ج ۸، ص ۲۴۱). مطابق مذهب حنفی، هرگاه از میقاتی بدون احرام گذر نمود و به میقات دیگری رسیده و از آن مکان محرم شود، کفایت کرده و کفاره ای بر وی نیست؛ زیرا احرام از میقات دوم، به منزله رجوع به میقات و احرام از آن است (سرخسی، ج ۴، ص ۱۷۳). در نظر مالکی، کسی که قرار است محرم شود نمی تواند از میقات بدون احرام گذر نماید، مگر میقات های متعددی در مسیر وی باشد؛ مانند اهل شام که از ذی الحلیفه

بدون احرام عبور کرده و در جحفه محرم گردد. (ثعلبی، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۸۰؛ مالکی، ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۱۹۶).

نوی از فقهای شافعی به اتفاق فقها قائل بر گنهکاری و لزوم قربانی است بر شخصی که از میقات بدون احرام بگذرد و داخل میقات بعدی شود؛ مانند شخصی که از ذی الحلیفه گذشته و در جحفه محرم شود؛ (عسقلانی، ج ۳، ص ۳۰۶) و در مقابل، فقهای چون ابن منذر و ابو ثور از شافعی معتقدند از آنجا که در شرع برخی مواقیت، جانشین میقات دیگری قرار گرفته، می توان از میقاتی بدون احرام عبور نمود و در میقات بعدی محرم شد و برای جبران، نیاز به قربانی نیست (عسقلانی، ج ۳، ص ۳۰۶؛ انصاری، زکریا و سنکی، ج ۲، ص ۲۸۵).

اشکال

در مقابل روایاتی که بر عدم جواز تأخیر احرام از میقات دلالت دارد، روایاتی به چشم می خورد که حکم به جواز تأخیر احرام از میقات می کند، از آن جمله معاویه بن عمار به حضرت صادق علیه السلام عرض کرد: شخصی از اهل مدینه از جحفه محرم می شود. حضرت فرمودند: «لابأس»؛ اشکالی ندارد. (قمی، ج ۲، ص ۳۰۵).

در پاسخ می توان گفت: در ظاهر، این روایت حکم به جواز تأخیر در حال اختیار می کند، لکن از باب جمع بین اخبار، حمل بر جهل یا نسیان احرام از میقات می شود (قمی، ج ۲، ص ۳۰۵).

۴.۳. احرام پیش از میقات

با اینکه احرام از میقات برای افرادی که قصد ورود به مکه مکرمه را دارند واجب است، اما گاه به دلیل شرایطی، پیش از میقات، قصد احرام می کنند یا از میقات بدون احرام می گذرند که در ذیل به این موارد و حکم آنها پرداخته می شود:

در نظر فقهای امامیه همچون سید مرتضی (علم الهدی، ۱۴۱۵، ص ۲۳۴)، شیخ طوسی (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۱۱)، ابن ادریس (حلی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۵۲۶) و علامه حلی (علامه حلی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۵۶۳) احرام قبل از میقات جایز نیست

و چنین احرامی منعقد نمی‌شود، و به دلایلی مانند اجماع فقها باید دوباره از میقات احرام بست همچنین میقات مکانی در احرام مانند میقات نماز است که تقدم بر آن جایز نیست.

زراره از امام محمد باقر علیه السلام نقل نموده که فرمودند:

«... وَ لَيْسَ لِأَحَدٍ أَنْ يُحْرِمَ قَبْلَ الْوَقْتِ الَّذِي وَقَّعَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَ إِنَّمَا مَثَلُ ذَلِكَ مَثَلُ مَنْ صَلَّى فِي السَّفَرِ أَرْبَعًا وَ تَرَكَ الثُّنَيْنِ.»

«شخص نمی‌تواند پیش از میقاتی که پیامبر صلی الله علیه و آله معین نموده، محرم گردد و او مانند کسی است که در سفر، نماز چهار رکعتی بخواند و نماز دو رکعتی - قصر - را ترک کند.» (طوسی، ج ۲، ص ۱۶۱).

ابن اذنیه از حضرت صادق علیه السلام نقل نمود که فرمودند:

«من أحرم بالحجّ في غير أشهر الحجّ فلا حجّ له ومن أحرم دون الميقات فلا إحرام له.»
«هر کس به حج در غیر ماه‌های حج محرم گردد، حجی بر وی نیست، و هر کس در غیر میقات محرم شود، احرامی بر او نیست و محرم نشده است.» (طوسی، ج ۲، ص ۱۶۲).

شیخ صدوق در حدیث مرسله‌ای آورده، امام صادق علیه السلام فرمودند: «وَلَا يُجُوزُ الْإِحْرَامُ

قَبْلَ بُلُوغِ الْمِيْقَاتِ»؛ «احرام پیش از رسیدن به میقات جایز نیست.» (قمی، ج ۲، ص ۳۰۴).

گفتنی است مرسلات شیخ صدوق بر دو قسم است:

یک دسته به صورت جزمی و قطعی به این صورت به امام علیه السلام نسبت داده شده: قال امیرالمؤمنین علیه السلام کذا...

دسته دوم به این صورت: «روي عنه علیه السلام» روایت فوق که از قسم اول مراسیل شیخ است، مورد اعتماد و مقبول می‌باشد (موسوی خمینی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۶۲۸).

اما در نظر امامیه همچون شیخ طوسی (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۱۱) و آیت‌الله خوئی در دو صورت می‌توان قبل از میقات محرم شد که این صور از موارد تخصیص قاعده مذکور است:

الف) در صورت نذر

به دلیل روایات، می‌توان به واسطه نذر، پیش از میقات محرم شد.

سماعه از ابابصیر از امام صادق علیه السلام نقل نموده که فرمودند: «لَوْ أَنَّ عَبْدًا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ نِعْمَةً أَوْ ابْتَلَاهُ بِلَيْتَةٍ فَعَافَاهُ مِنْ تِلْكَ الْبَلِيَّةِ فَجَعَلَ عَلَى نَفْسِهِ أَنْ يُحْرِمَ بِخِرَاسَانَ كَانَ عَلَيْهِ أَنْ يُتِمَّ»؛ «هرگاه خداوند متعال به بنده‌ای نعمتی دهد یا وی را مبتلا به مشکلی نموده و عافیت بخشد و بر خود (با نذر و شبهه آن) قرار دهد که از خراسان محرم شود، بر او لازم است که این گونه عمل کند» (موسوی خویی، ۱۳۶۴، ج ۲، صص ۴۰۲-۴۰۱).

علی بن ابی حمزه بطائنی به حضرت صادق علیه السلام نوشت: درباره مردی که برای خدا بر خود قرار داده که از کوفه محرم شود، پرسیدم. حضرت پاسخ فرمودند: «یحرم من الكوفة»؛ از کوفه محرم می‌شود (طوسی، ج ۲، ص ۱۶۳).

شیخ طوسی در این باره فرمود: وجه در این اخبار، تخصیص قاعده «من مرّ بمیقات وجب علیه الإحرام» به وسیله نذر است، و از آنجا که وفای به نذر لازم است، احرام پیش از میقات نیز لازم می‌آید (همانجا).

محقق حلی به این روایات از این جهت که ابن حمزه و سماعه، واقفی مذهب هستند، خدشه وارد کرده؛ از طرف دیگر به دلیل عدم جواز احرام پیش از میقات، نذر به آن به نقل مستفیض از ائمه معصومین علیهم السلام را نذر معصیت قلمداد می‌کند (حلی، ج ۲، ص ۸۰۷).

موسوی گلپایگانی روایات را از جهت سند و عمل جمعی از علما به آنها، صحیح می‌داند، لکن یادآور می‌شود که صحت وقوع احرام پیش از میقات مکانی در حج و عمره تمتع، اقتضای صحت احرام پیش از میقات زمانی را ندارد، و در عمره مفرده، نذر احرام پیش از میقات، در هر زمانی صحیح بوده و ادله، شامل آن می‌شود. (موسوی گلپایگانی، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۲۱۶).

ب) ترس از فوت عمره ماه رجب

به اتفاق فقهای امامیه همچون محقق حلی (حلی، ج ۲، ص ۸۰۶) هرگاه خوف این باشد که با رفتن به میقات و بستن احرام از آن، عمره ماه رجب درک نشود، می‌توان قبل از میقات محرم به عمره رجب شد و با همین احرام، فضیلت عمره رجب را تحصیل کرد، هر چند باقی اعمال، در ماه شعبان اتیان شود (حلی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۳۱۴).

از معاویه بن عمار است که امام صادق علیه السلام فرمودند: «لَيْسَ يَنْبَغِي أَنْ يُحْرِمَ دُونَ الْوَقْتِ الَّذِي وَقَّتهُ رَسُولُ اللَّهِ صلوات الله عليه إِلَّا أَنْ يَخَافَ فَوْتَ الشَّهْرِ فِي الْعُمْرَةِ»؛ «شایسته نیست خارج از میقاتی که پیامبر خدا صلوات الله علیه مشخص نمودند محرم شد، مگر خوف فوت عمره در ماهی باشد» (حر عاملی، ۱۴۰۳، ج ۸، ص ۲۳۶).

شیخ طوسی ذیل این روایت بیان می‌دارد:

«وجه جواز احرام پیش از میقات در این خبر، ضرورت است و مخصوص کسی است که از فوت عمره رجب می‌ترسد، و به وی رخصت داده شده تا احرام را مقدم بر میقات نماید و از فضیلت عمره ماه بهره‌مند گردد، و اما این عمل در حال اختیار جایز نیست.» (طوسی، ج ۲، ص ۱۶۳).

و در نظری از ظاهر برخی از نصوص، اطلاق حکم در هر عمره‌ای بدست می‌آید، لکن به تبع فقها، احتیاط بر اکتفا در عمره رجب است (مصطفوی، ۱۴۳۱ق، ص ۲۲۳).

طبق نظر ابوحنیفه، شایسته است که شخص پیش از میقات محرم شود؛ (قمی سبزواری، ۱۳۷۹، ص ۱۷۸) زیرا خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَأَتُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ﴾؛ «و حج و عمره را به خاطر خدا تمام کنید» (بقره: ۱۹۶)

و اتمام حج و عمره این است که از محل سکونتش محرم گردد و مشقت در احرام قبل از میقات بیشتر، و تعظیم در آن فراوان‌تر است و شخص بدین طریق، مالک نفس شده و وارد محظورات احرام نمی‌گردد (غیتابی حنفی، ۴، ۱۴۲۰ق، ص ۱۶۳).

شافعی دارای دو قول است: یک قول، همچون قول ابوحنیفه است و قول دوم این است که احرام از میقات فضیلت دارد، مگر پیش از میقات محرم شده باشد (قمی سبزواری، ۱۳۷۹، ص ۱۷۸).

در مذهب حنبلی، احرام پیش از میقات مکروه است (بهوتی، ج ۱، ص ۱۷۴؛ دمشقی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۱۵۲).

در فقه مالکی، احرام پیش از میقات مکروه بوده و با این وجود صحیح و الزام آوراست (غرناطی، ج ۱، ص ۸۸).

۵.۳. احرام بانوی حائض و نفساء از میقات

۱. احرام بانوی حائض

بر اساس نظر فقهای امامیه همچون شیخ مفید (عکبری بغدادی، ۱۴۱۴، ص ۲۴) و شیخ طوسی (طوسی، ۱۳۸۷، ص ۳۱۲)، شخص حائض در زمان ورود به سرزمین مکه باید محرم شود و عذر موجود، مانع از احرام و صحت آن نمی‌گردد، لکن داخل مسجد الحرام، مسجد النبی ﷺ و مساجد دیگر نمی‌شود.

دلیل این مطلب، روایت معاویه بن عمار از امام صادق علیه السلام است که از حضرت در مورد بانوی حائض سؤال می‌کند: آیا در حال حیض می‌توان محرم شد؟ حضرت پاسخ فرمودند: «تَغْتَسِلُ وَتَحْتَشِي، وَتَصْنَعُ كَمَا تَصْنَعُ الْمُحْرِمَةُ، وَ لَا تُصَلِّي»؛ بله می‌تواند، و باید غسل کند و با پنبه مانع از بیرون آمدن خون گردد و مانند شخص محرم عمل کند و نماز نخواند (حر عاملی، ۱۴۰۳، ج ۹، ص ۶۶).

در روایتی دیگر، عیص بن قاسم از امام صادق علیه السلام سؤال می‌کند: آیا زن در حال حیض محرم می‌شود؟ حضرت پاسخ دادند: «نعم. تَغْتَسِلُ وَتَلْبِي»؛ بله، غسل می‌کند و تلبیه می‌گوید. (همان، ص ۶۵).

همچنین منصور بن حازم به حضرت صادق علیه السلام عرض کرد: آیا زن حائض محرم می‌شود و نماز نمی‌خواند؟ حضرت فرمودند: «نعم، إِذَا بَلَغَتِ الْوَقْتَ فَلْتَحْرِمَ»؛ بله، هر گاه به میقات رسید باید محرم گردد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۴۴۵).

طبق نظر شهید اول (عاملی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۳۱۰)، علامه حلی (حلی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۳۱۶) و ابن حمزه حلبی (حلبی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۱۹۲) به دلیل روایت وارده از معاویه بن عمار (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۴۴۵) اگر به ظن این که نمی‌تواند محرم شود و از میقات بدون احرام بگذرد، باید در صورت تمکن به میقات باز گردد

و در غیر این صورت از خارج حرم محرم شود و اگر این هم ممکن نبود از مکان خود محرم می شود.

امام خمینی راه‌های احرام حائض از میقات را به این ترتیب بیان فرمود:

۱. می تواند با نذر قبل از میقات محرم شود.
۲. اگر با نذر محرم نشده، می تواند در حال عبور از مسجد شجره محرم شود، ولی نباید در مسجد توقف کند.
۳. اگر نتواند در حال عبور در مسجد شجره محرم شود و نمی تواند تا وقت پاک شدن صبر کند، احتیاط واجب است که نزدیک مسجد محرم شود و در جحفه یا محاذی آن،^۱ احرام را تجدید نماید و چنانچه حدود محاذات را تشخیص داده و در تمام آن محدوده با نیت احرام، لیکها را تکرار کند کفایت می کند (فلاحزاده، ۱۳۹۰، ص ۳۶).

قابل ذکر است که بر بانوی متأهل لازم است برای نذر از همسرش اجازه بگیرد، لکن اگر پس از اتمام اعمال حج یا عمره متوجه شود که با نذر بدون اجازه شوهر محرم شده، عملش صحیح است، البته در مورد عمره در صورتی است که قابل جبران نباشد (موسوی خمینی، ۱۴۲۵، ص ۳۸۸).

۲. احرام بانوی نفساء

احکام نفساء همان احکام حائض می باشد و دلیل این مسئله، اجماع و روایت معاویه بن عمار از امام صادق علیه السلام است که فرمودند: «إِنَّ الْأَسْمَاءَ بِنْتَ عَمِيسٍ نَفَسَتْ بِمُحَمَّدِ بْنِ أَبِي بَكْرٍ بِالْبَيْدَاءِ لِأَرْبَعٍ... مِنْ ذِي الْقَعْدَةِ فِي حِجَّةِ الْوَدَاعِ، فَأَمَرَهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَاغْتَسَلَتْ وَاحْتَشَّتْ وَاحْرَمَتْ وَ لَبَّتْ مَعَ النَّبِيِّ وَأَصْحَابِهِ، فَلَمَّا قَدِمُوا مَكَّةَ لَمْ تَطْهَرْ حَتَّى نَفَرُوا مِنْ مَنَى، وَ قَدْ شَهِدَتْ الْمَوَاقِفَ كُلَّهَا عَرَفَاتٍ وَ... وَ رَمَتِ الْجِمَارَ وَ لَكِنْ لَمْ تَطْفِ بِالْبَيْتِ وَ لَمْ تَسْعَ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ، فَلَمَّا نَفَرُوا مِنْ مَنَى أَمَرَهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

۱. محاذی میقات: مکانی که میقات به خط مستقیم در طرف راست یا چپ شخص قرار گیرد به طوری که اگر از آنجا بگذرد، میقات متمایل به پشت سر او شود.

فاغتسلت و طافت بالبيت و بالصفاء و المروة»: «اسماء بنت عمیس، در زمان وضع حمل فرزندش محمد بن ابی بکر عازم سفر حج - حَجَّة الوداع - بود که پیامبر خدا ﷺ به وی امر فرمودند که غسل کند و از خروج خون جلوگیری نموده و محرم شده و با ایشان و اصحابشان تلبیه بگویند، او در حال نفاس مواقف عرفات و مشعر را درک نمود و رمی جمرات را انجام داد، لکن طواف و سعی را به جا نیاورد، و پس از کوچ از منی به امر رسول الله ﷺ غسل نموده و طواف و سعی را انجام داد» (حر عاملی، ۱۴۰۳، ج ۹، ص ۶۵).

این روایت دلالت بر وجوب احرام نفساء دارد، با ذکر این نکته که چنین شخصی طواف خانه کعبه را باید تا پس از پاکی از نفاس به تأخیر اندازد (موسوی گلپایگانی، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۱۵۵).

بدین ترتیب روشن شد احرام از تکالیفی است که از شخص حائض و نفساً ساقط نمی شود و کسی که وظیفه وی انجام حج تمتع است و در میقات حائض یا نفساء باشد و بداند تا قبل از ایام مناسک حج - دهم ذی الحجه - پاک شده و تمکن از اعمال عمره تمتع پیدا می کند، از میقات برای عمره تمتع محرم شده و داخل مکه می شود، لکن نمی تواند وارد مسجدالحرام گردد، و پس از پاکی طواف و نماز آن و سعی و تقصیر را به جا می آورد (همان، ص ۱۴۶).

طبق مذهب حنفی، زن حائض و نفساء باید جهت تطهیر غسل نموده و محرم گردد. زیرا ابن عباس از پیامبر خدا ﷺ نقل نموده که فرمودند: «إِنَّ النِّفْسَاءَ وَ الْحَائِضَ تَغْتَسِلُ وَ تَحْرِمُ وَ تَقْضِي الْمَنَاسِكَ كُلَّهَا غَيْرَ أَنَّهُمَا لَا تَطُوفُ بِالْبَيْتِ»؛ نفساء و حائض غسل می کند و محرم می گردد و تمام مناسک را غیر از طواف خانه کعبه به جا می آورد. (زیلعی، ۱۳۱۳، ج ۲، ص ۸).

در فقه مالکی، زن حائض محرم به حج یا عمره می گردد، تمام مناسک را با دیگران اتیان می کند، لکن طواف و سعی بین صفا و مروه را انجام نمی دهد و نزدیک مسجد نمی شود تا پاک گردد (نمری قرطبی، ج ۴، ص ۸۸).

در فقه حنبلی، همه افراد برای احرام غسل نموده، هر چند حائض و نفساء باشند. زیرا مسلم روایت می کند: رسول خدا ﷺ به اسماء بنت عمیس در حالی که نفساء بود، امر فرمودند که غسل نماید، همچنین عائشه را در حالی که حائض بود برای تهلیل حج، امر به غسل نمودند. پس تأخیر غسل تا پاکی برحائض و نفساء در صورتی که امید به طهر پیش از خروج از میقات دارند، مستحب است و در غیر این صورت پیش از خروج از میقات، غسل نموده و محرم می شوند؛ زیرا گذر از میقات بدون احرام جایز نمی باشد (بهوتی، ۱۴۰۲، ج ۲، ص ۴۰۶).

در مذهب شافعی، زن حائض محرم می شود؛ زیرا از عائشه روایت شده به اذن رسول خدا ﷺ در حال حیض محرم به قرآن شد، و پیامبر اکرم ﷺ به وی امر نمودند تا برای حج تهلیل بگوید و فرمودند: هر آنچه حج گزار انجام می دهد را به جا آور، غیر از این که طواف نکن؛ پس از آن که پاک شد و طواف نمود، به وی فرمودند: طواف برای حج و عمرهات کفایت می کند (دردیر، ج ۴، ص ۳۷).

۳. احرام بانوان مستحاضه

از آنجا که تمام اعمال عبادی بر مستحاضه واجب است، بر وی لازم است پس از اتیان وظایفی که بر او مقرر شده، به عبادات خود بپردازد (حر عاملی، ج ۹، ص ۱۴۰۳) در نظر فقهای امامیه، همچون ابن حمزه (حلبی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۱۹۳) شخص مستحاضه باید داخل میقات شده و از آنجا محرم گردد، رفتن او به داخل مسجد در میقات اشکالی ندارد، لکن احتیاط مستحب است که مستحاضه متوسطه یا کثیره بر طبق فرمایش صاحب عروه و امام خمینی غسل نماید، سپس وارد مسجد شده و احرام ببندد (طباطبایی یزدی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۲۵۳).

به اتفاق فقهای اهل سنت نیز مستحاضه باید محرم شده و مناسک خویش را به جا آورد. زیرا عائشه نقل می کند که فاطمه بنت ابی حیش به پیامبر ﷺ عرض کرد: یا رسول الله ﷺ من مستحاضه می شوم و پاک نمی شوم. آیا نماز را ترک کنم؟

حضرت فرمودند: «إنما ذلك عرق و ليس بالحیضة، فإذا أقبلت الحیضة فاتركي الصلاة، فإذا ذهب قدرها فاغسلي عنك الدم و صلي»؛ «نه، آن خون رگ است و حیض نیست. پس زمانی که حیض به تو روی آورد، نماز را رها کن و پس از اتمام حیض، غسل کن و نماز بخوان (نیشابوری، ج ۱، ص ۱۸۰).

همچنین عکرمه از عائشه روایت کرد که زنی از همسران پیامبر ﷺ به همراه ایشان در حالی که خون می دید و نماز می خواند، معتکف بود (بخاری، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۸۰).

۶.۳. اسلام آوردن پس از گذر از میقات

طبق نظر فقهای امامیه همچون محقق حلی (حلی، ج ۲، ص ۸۰۹) و مذهب حنفی (همانجا)، شخص مستطعی که پس از عبور از میقات، مسلمان شود، حج بر وی واجب بوده و به میقات بازگشته و از آن محرم می گردد، و در صورت عدم تمکن به رجوع، از موضع خویش احرام می بندد و از آنجا که مرتکب اخلاصی در مناسک نشده، نیازی به قربانی نیست.

به عقیده علامه حلی باید به میقات بازگردد، و در صورت عدم تمکن در حلّ محرم شده و در صورت عدم امکان در موضع خویش احرام ببندد، و همچنین است حکم کودک و برده‌ای که پس از گذر از میقات بالغ شده یا آزاد گردیده است. (حلی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۵۶۴).

شافعی در صورت عدم امکان رجوع به میقات، قربانی را لازم می داند. (حلی، ج ۲، ص ۸۰۹).

در فقه حنبلی (مقدسی، ج ۳، ص ۲۱۹) و مالکی (دردیر، ج ۳، ص ۲۱۹) هرگاه کافری پس از عبور از میقات مسلمان شده یا عبدی آزاد گردد یا کودک بالغ شود و تصمیم بر انجام مناسک داشته باشد، از موضع خود محرم شده و تکلیفی بر قربانی ندارد.

۷.۳. موارد استثنای قاعده

طبق نظر فقهای امامیه همچون علامه حلی (حلی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۵۸۰)، محقق حلی (حلی، ۱۴۰۲، ص ۸)، سید گلپایگانی (موسوی گلپایگانی، ۱۴۰۰، ج ۲، ص ۳۵۶)

بر هیچ کس جایز نیست که بدون احرام وارد مکه شود، مگر برای شخص بیمار، یا کسی که به طور مکرر وارد مکه شده و از آن خارج می‌گردد، یا طبق نظر شهیدین برای جنگ وارد مکه شده، مانند قضیه فتح مکه، یا با عبور از میقات، قصد ورود به مکه مکرمه را ندارد (امینی، علیرضا و آیتی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۰۹).

سید گلپایگانی ورود به مکه مکرمه بدون احرام را به دلیل جنگ جایز ندانسته و آن را مختص پیامبر خدا ﷺ در فتح مکه می‌داند؛ ایشان به روایاتی از این قرار استدلال نموده است (موسوی گلپایگانی، ۱۴۰۰، ج ۲، ص ۳۵۷).

از معاویه بن عمار است که رسول خدا ﷺ در روز فتح مکه فرمودند:

«إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ مَكَّةَ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهِيَ حَرَامٌ إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ لَمْ تَحَلَّ لِأَحَدٍ قَبْلِي وَلَا تَحَلُّ لِأَحَدٍ بَعْدِي وَلَمْ تَحَلَّ لِي إِلَّا سَاعَةً مِنْ نَهَارٍ».

«همانا خداوند مکه را در روزی که آسمان‌ها و زمین را خلق کرد، حرم نمود و آن مکان تا روزی که قیامت بر پا شود حرم است، بر احدی پیش از من و پس از من حلال نیست و بر من جز ساعتی از روز حلال نبود.» (حرعاملی، ۱۴۰۳، ص ۹).

اما مطابق مذهب حنبلی، این افراد جهت ورود به مکه نیازمند احرام از میقات نیستند:

۱. افرادی که به دلیل جنگ مباح یا رفع نیاز، مانند هیزم کش‌ها وارد مکه معظمه می‌گردند؛ زیرا پیامبر خدا ﷺ و یارانشان در روز فتح مکه، حلال وارد مکه شدند.

ترمذی در حدیثی صحیح بیان نموده که پیامبر خدا ﷺ در روز فتح مکه، وارد مکه شدند در حالی که بر سر ایشان عمامه بود. (غیتابی حنفی، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۱۶۳)؛ این حدیث را عمار دهنی از ابی‌زبیر از جابر بن عبدالله نیز نقل نموده است (طحاوی، ج ۳، ص ۳۳۳).

البته شافعی و ابوحنیفه، عبور این افراد را بدون احرام از میقات جایز نمی‌دانند، مگر کسی که در اطراف مکه زندگی می‌کند که برای ورود به مکه نیاز به عبور از میقات ندارد.

از ابن عباس روایت شده که پیامبر خدا ﷺ به هیزم کش‌ها رخصت دادند که بدون احرام وارد مکه شوند که به ظاهر، این افراد از میقات عبور نمی‌کنند و بین میقات و مکه ساکن هستند. (غیتابی حنفی، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۱۶۳؛ سمرقندی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۳۹۷).

بنابر مذهب حنفی، هر کس منزلش در برخی از مواقیت بوده یا بین میقات و مکه معظمه ساکن است، می‌تواند بدون احرام وارد مکه شده، و بر آن کس که محل سکونتش قبل از میقات است، لازم است که با احرام وارد شود (طحاوی، ج ۳، ص ۳۳۴).

در فقه مالکی، افرادی همچون حاملان میوه که تردد ایشان به مکه معظمه زیاد است، یا برای رفع نیازی از مکه خارج می‌شوند، جهت ورود به این مکان شریف نیازمند احرام نیستند (ثعلبی بغدادی، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۸۰).

۲. افرادی که مکلف به انجام حج نیستند؛ همچون عبد، کودک و کافر (طحاوی، ج ۳، ص ۳۳۳).

میقات

نتیجه‌گیری

موارد اتفاقی و اختلافی فقهای مذاهب به شرح ذیل می‌باشد:

۱. فقها در مواقیت زمانی حج و چهار میقات مکانی آن اتفاق نظر دارند، و اختلاف نظر فقهای اهل سنت در خصوص ذات عرق است.
۲. مطابق فقه امامیه و اهل سنت نمی‌توان بدون احرام، از میقات عبور نمود و در صورت جهل یا نسیان باید به میقات بازگشت و از آن مکان محرم شد و به فتوای مذاهب اربعه، در صورت عدم امکان رجوع، باید قربانی نمود.
۳. در نظر فقهای امامیه، تأخیر احرام از میقات جایز نیست، مگر مانعی رخ دهد که به سبب آن می‌توان از میقات بعدی محرم شد؛ در نظر برخی از فقهای اهل سنت، تأخیر احرام موجب وجوب قربانی می‌شود و در برخی مذاهب، در صورت تعدد مواقیت می‌توان از میقات اول بدون احرام گذر کرد و طبق فتوایی، اشکالی در تأخیر احرام نیست.

۴. به فتوای امامیه، احرام پیش از میقات منعقد نمی‌شود، مگر در دو صورت: نذر یا ترس از فوت عمره رجب؛ و در نظر فقهای اهل سنت، چنین احرامی جایز بوده، و در دیدگاهی از ایشان مکروه است.
۵. به فتوای فقها، حائض و نفساء می‌توانند در میقات محرم شوند.
۶. اگر کسی پس از عبور از میقات محرم گردد، باید به میقات بازگردد و از آنجا محرم شود و طبق دیدگاه برخی از فقهای اهل سنت، می‌تواند از موضع خویش محرم شود.
۷. در نظر فقها، در برخی موارد جایز است بدون احرام از میقات گذر نمود.

منابع

* قرآن کریم.

۱. ابن عابدین (بی‌تا)، رد المحتار علی الدر المختار، نرم‌افزار مکتب شامله.
۲. ابن فارس، ابوالحسین (۱۳۹۹)، معجم مقاییس اللغة، بیروت، دارالفکر.
۳. إسنوی، عبد الرحیم بن حسن (۲۰۰۹)، الهدایة إلى أوهام الکفایة، بی‌جا، دارالکتب العلمی.
۴. امینی، علیرضا و سیدمحمد رضا آیتی (۱۳۸۳)، تحریر الروضة فی شرح اللمعه، تهران، نشر سمت، چاپ ۷
۵. انصاری، زکریا و ابویحیی سنکی (بی‌تا)، الغرر البهیة فی شرح البهجة الوردیة، بی‌جا، المطبعة الیمینیة.
۶. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۱)، صحیح بخاری، بیروت، دارالفکر.
۷. بغدادی، عبدالرحمن (بی‌تا)، إرشاد السالک، بی‌جا، الشركة الإفريقية للطباعة.
۸. بهوتی، منصور بن یونس (۱۴۰۲)، کشف القناع عن متن الإقناع، بیروت، دارالفکر.
۹. بهوتی، منصور بن یونس (بی‌تا)، الروض المربع شرح زاد المستنقع فی اختصار المقنع، بیروت، دارالفکر.
۱۰. ثعلبی بغدادی، ابو محمد عبدالوهاب (۱۴۲۵)، التلقین فی الفقه المالکی، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۱۱. جماعة من علماء هند (۱۴۱۱)، الفتاوی الهندیة فی مذهب الإمام أبی حنیفه، بیروت، دارالفکر.

١٢. حر عاملی، محمد بن حسن (١٤٠٣)، وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة، بيروت، دار إحياء التراث العربي، چاپ ٥
١٣. حلبی، ابن حمزه (١٤٠٨)، الوسيلة، قم، مكتبة آية الله العظمى مرعشي نجفی، چاپ ١
١٤. حلبی، ابن زهره (١٤١٧)، غنية النزوع، قم، مؤسسه امام صادق عليه السلام، چاپ ١
١٥. حلبی، ابوالمجد (١٤١٤)، إشارة السبق، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ ١
١٦. محقق حلی، نجم الدين (١٤٠٢)، المختصر النافع، تهران، مؤسسه بعثت، چاپ ٢
١٧. محقق حلی، نجم الدين (بی تا)، المعتبر، قم، مؤسسه سيدالشهدا.
١٨. علامه حلی، حسن بن يوسف (١٤١٠)، ارشاد الأذهان، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ ١
١٩. علامه حلی، حسن بن يوسف (١٤٢٠)، تحرير الأحكام، قم، مؤسسه امام صادق عليه السلام، چاپ ١
٢٠. حلی، ابن ادريس (١٤١٠)، السرائر الحاوی لتحرير الفتاوی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ ٢
٢١. دردیر، احمد (بی تا)، الشرح الكبير، بی جا، دار إحياء الكتب العربية.
٢٢. دمشقی، محمد بن بدرالدين (١٤١٦)، أخصر المختصرات في الفقه على مذهب الامام احمد بن حنبل، بيروت، دار البشائر الاسلاميه.
٢٣. زيلعی، فخرالدين عثمان بن علی (١٣١٣)، تبیین الحقائق شرح كنز الدقائق، قاهره، دار الكتب الاسلامی.
٢٤. سرخسی، شمس الدين (بی تا)، المبسوط، بيروت، دارالمعرفة.
٢٥. سلمان، ابو محمد (بی تا)، الأسئلة و الأجوبة الفقهية، نرم افزار مكتب شامله.
٢٦. سمرقندی، علاءالدين (١٤١٤)، تحفة الفقهاء، بيروت، دار الكتب العلمية، چاپ ٢
٢٧. فاضل مقداد، مقداد (١٤٠٣)، نضد القواعد الفقهيه، قم، مكتبة آية الله العظمى المرعشي.
٢٨. شافعی، محمد بن ادريس (١٤٠٣)، الأم، بيروت، دارالفكر، چاپ ١
٢٩. شربینی، محمد بن احمد (بی تا)، الإقناع في حل ألفاظ أبي شجاع، بی جا، دارالمعرفة.
٣٠. طباطبایی یزدی، سيدمحمد كاظم (١٤٢٠)، العروة الوثقی، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ ١

۳۱. طحاوی، احمد بن محمد (بی تا)، شرح معانی الآثار، نرم افزار مکتبه شامله.
۳۲. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۴)، تهذیب الأحکام فی شرح المقنعه، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ ۲
۳۳. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷)، المبسوط، تهران، المکتبه المرتضویه.
۳۴. طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، الاستبصار، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۳۵. طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، النهایة، قم، نشر قدس محمدی.
۳۶. عاملی (شهید اول)، شمس الدین محمد (۱۴۱۷)، الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیه، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ ۱
۳۷. عسقلانی، ابن حجر (بی تا)، فتح الباری (شرح صحیح البخاری)، بیروت، دارالمعرفه، چاپ ۲
۳۸. عکبری بغدادی (شیخ مفید)، محمد (۱۴۱۴)، أحكام النساء، بیروت، دار المفید، چاپ ۲
۳۹. علم الهدی، سید مرتضی (۱۴۱۵)، الإنتصار، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
۴۰. غرناطی، محمد بن احمد (بی تا)، القوانین الفقهیه، نرم افزار مکتبه شامله.
۴۱. غیتابی حنفی، ابومحمد (۱۴۲۰)، البناية شرح الهدایه، بیروت، بی نا.
۴۲. فقعی، زین الدین علی (۱۴۱۸)، الدر المنضود فی صیغ النیات و الایقات و العقود، شیراز، مدرسه علمیه امام عصر علیه السلام، چاپ ۱
۴۳. فلاح زاده، محمد حسین (۱۳۹۰)، مناسک حج (ویژه بانوان)، تهران، نشر مشعر، چاپ ۱۹
۴۴. فوزان، صالح (۱۴۲۳)، الملخص الفقهی، ریاض، دار العاصمه، چاپ ۱
۴۵. قرطبی، ابوالولید محمد (۱۴۲۵)، بدایة المجتهد و نهاية المقتصد، قاهره، دارالحديث.
۴۶. قمی (شیخ صدوق)، ابی جعفر (بی تا)، من لا یحضره الفقیه، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
۴۷. قمی سبزواری، علی بن محمد (۱۳۷۹)، جامع الخلاف و الوفاق بین الإمامیه و بین أئمة الحجاز و العراق، قم، نشر زمینه سازان ظهور امام عصر علیه السلام، چاپ ۱
۴۸. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ ۴

٤٩. كوكب عبيد (١٤٠٦)، فقه العبادات على المذهب المالكي، دمشق، مطبعة الإنشاء، چاپ ١.
٥٠. مالكي، ابن جلاب (١٤٢٨)، التفریع فی فقه الإمام مالك بن انس، بيروت، دار الكتب العلمية.
٥١. ماوردی، ابوالحسن علی بن محمد (١٤١٩)، الحاوی الكبير فی فقه مذهب الإمام الشافعی، بيروت، دار الكتب العلمية، چاپ ١.
٥٢. محمودی، محمدرضا (١٤٢٩)، مناسک حج (محمشی)، تهران، نشر مشعر.
٥٣. مصطفوی، سیدمحمد کاظم (١٤٣١)، القواعد، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ ٨.
٥٤. مقدسی، ابن قدامه (بی تا)، المغنی، بيروت، دار الكتب العربی.
٥٥. ملاحسرو، محمد بن فراموز (بی تا)، درر الحکام شرح غرر الأحکام، بی جا، دار إحياء الكتب العربیه.
٥٦. موسوی خمینی، سیدروح الله (١٤٢١)، کتاب البیع، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رضی الله عنه)، چاپ ١.
٥٧. موسوی خمینی، سیدروح الله (١٤٢٥)، تحریر الوسیله، علی اسلامی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ ٢١.
٥٨. موسوی خوبی، سیدابوالقاسم (١٣٦٤)، کتاب الحج، قم، نشر لطفی، چاپ ٢.
٥٩. موسوی گلپایگانی، سیدمحمدرضا (١٤٠٠)، کتاب الحج، قم، بی نا، چاپ ١.
٦٠. موصلی، عبدالله بن محمود (بی تا)، الاختیار لتعلیل المختار، نرم افزار مکتبه شامله.
٦١. نجفی، محمدحسن (١٣٦٥)، جواهر الکلام فی شرح شرایع الإسلام، تهران، دار الكتب الاسلامیه، چاپ ٢.
٦٢. نمری قرطبی، یوسف بن عبدالله (بی تا)، الاستذکار الجامع لمذاهب فقهاء الأمصار، بيروت، دار الكتب العلمیه.
٦٣. نووی، محی الدین (بی تا)، روضة الطالبین، بيروت، دار الكتب العلمیه.
٦٤. نیشابوری، مسلم (بی تا)، صحیح مسلم، بيروت، دارالفکر.
٦٥. یوبی، محمد سعد (بی تا)، شرح کتاب الحج من عمدة الفقه، نرم افزار مکتبه شامله.

